

به یاد دکتر ریاحی

علی صدراپی خوبی

دکتر محمد امین ریاحی از جمله فرهیختگان فرهنگی این مرز و بوم بوده که در چند دههء اخیر مصدر خدمات شایانی به ایران زمین و ادب پارسی گردیده است. آخرین اقدام مهم فرهنگی او اثبات مدفن شمس تبریزی در زادگاهش خوی می باشد که این شهر را کانون توجه عرفان پژوهان و گردشگران ساخته است. دکتر ریاحی در سال ۱۳۴۲ق برابر با ۱۳۰۲ش در دارالصفای خوی دیده به جهان گشود و در ۳۴ سالگی موفق به اخذ دکترای زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران گردید و پس از آن استاد مسلم ادب فارسی در دانشگاه های ایران و آنکارا و استانبول بوده است. او مؤسس رایزن فرهنگی ایران در ترکیه و برندهء جایزهء کتاب سال در سالهای ۱۳۵۲ش و ۱۳۷۲ش بوده است.

فعالیت های فرهنگی

دکتر ریاحی در طول فعالیت های علمی و فرهنگی اش در مسؤولیت های متعدد؛ از جمله ریاست سازمان کتاب های درسی، سرپرستی ماهنامه ی آموزش و پرورش، مدیر کل اداره نگارش وزارت فرهنگ، مسؤول کتابخانه های کل کشور، ریاست بنیاد شاهنامه (به مدت دو سال و پس از مجتبی مینوی)، عضویت در هیئت مؤلفان لغتنامه دهخدا، مدیر ملی وزارت فرهنگ سابق، رایزن فرهنگی ایران در کشور ترکیه طی سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۷، استادی دانشگاه آنکارا، دبیر کلی هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور، استادی دانشگاه تهران، نیابت ریاست فرهنگستان ادب و هنر ایران، ریاست دانشکده هنرهای دراماتیک، به خدمت فرهنگی پرداخت.

از فعالیت های مطبوعاتی او سر دبیری هفته نامه مهرگان و آموزش و پرورش و سیمرخ را باید نام برد. حضور دکتر ریاحی در اداره کل نگارش وزارت فرهنگ در دهه ۴۰ و ۵۰ فرصتی بود برای کودکان و

نوجوانان ایرانی تا کتاب‌های درسی آن دوره مورد بازنگری و توجه ویژه قرار گیرد. در اوایل دهه ۴۰ که وی سرپرستی اداره نگارش را به عهده داشت، پس از ارزیابی تهیه و توزیع کتاب‌های درسی دبیرستانی در نامه‌ای به وزیر فرهنگ به وضعیت انتشار کتاب‌های درسی انتقاد کرد. او با اشاره به شکایت‌های بسیار دانش آموزان و والدین آن‌ها به تنوع کتاب‌های درسی و تخلف برخی ناشران و کتابفروشان در توزیع و گرانفروشی کتاب‌ها، این عوامل را علت کشمکش‌های هرساله بین ناشران و کتابفروشان از یک طرف و مردم و وزارت فرهنگ از سوی دیگر دانست و با ارائه راهکارهایی، خواهان تغییر اساسی در این زمینه شد.

از جمله پژوهش‌های شاخص دکتر ریاحی تحقیقش درباره مزار شمس در خوی بود که با اسناد و مدارک دقیق و غیر قابل انکار در کتاب تاریخ خوی که انتشارات طرح نو سالیان قبل منتشرش کرده بود، این نکته را به اثبات رساند. بر همین بنیاد سال گذشته (۱۳۸۷) در همایشی با عنوان شمس و مولانا در شهرستان خوی از پژوهش‌های ارزنده این استاد نامی تقدیر به عمل آمد.

نمایه آثار

- نمایه کارنامه تلاش علمی دکتر ریاحی چنین است:
۱. کتاب درسی (تاریخچه کتاب‌های درسی در ایران و گزارش اصلاح آن)؛
 ۲. نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی؛
 ۳. گلدشت در شعر و اندیشه حافظ؛
 ۴. سفارت نامه‌های ایران (تاریخ روابط پانصد ساله ایران و عثمانی)؛
 ۵. سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲ش؛
 ۶. تاریخ خوی، که در سال ۱۳۷۲ش کتاب برگزیده سال گردید؛
 ۷. بگشای راز عشق (گزیده کشف الاسرار میبیدی)؛
 ۸. فردوسی (زندگی و اندیشه و شعر او)؛
 ۹. مهم‌ترین اثر دکتر ریاحی، تصحیح مرصاد العباد نجم‌الدین رازی است که از مهم‌ترین متون عرفانی فارسی به شمار می‌رود. این اثر، پایان‌نامه دکترای ایشان در سال ۱۳۳۹ش بود و پس از انتشار در سال ۱۳۵۲ش به عنوان کتاب برگزیده سال انتخاب گردید؛
 ۱۰. تصحیح جهان‌نامه که متن کهن جغرافیایی است؛
 ۱۱. تصحیح رتبه الحیات خواجه یوسف همدانی که به همراه رساله الطیر منسوب به نجم‌الدین رازی در یک مجلد منتشر شده است؛
 ۱۲. تصحیح کتاب نزهة المجالس، اثر جمال خلیل شروانی از دیگر تحقیقات مهم او بود. نزهة المجالس

مهم‌ترین منبع در شناخت رباعیات کهن فارسی است؛

۱۳. تصحیح شش فصل کهن‌ترین متن علمی فارسی در فن نجوم از محمد بن ایوب طبری؛

۱۴. تصحیح عالم آرای نادری در سه جلد؛

۱۵. سفارتنامه‌های ایران؛

۱۶. کسای مروزی، زندگی و اندیشه و شعر او؛

۱۷. چهل گفتار در ادب و تاریخ و فرهنگ ایران، مجموعه‌ای از مقالات دکتر ریاحی که انتشارات سخن آنها را در سال ۱۳۷۹ش منتشر نمود. این کتاب در شش بخش سامان یافته است: زبان و فرهنگ ما، فردوسی و شاهنامه، در احوال گذشتگان، در آیین تاریخ، نکته‌ها، یاد استادان و باران رفته.

از دیدگاه همشهریانش

زنده یاد شیخ جابر فاضلی خوبی در کتابش تذکرةالفضلاء (که در شرح حال دانشوران خوی نگاشته و تاکنون به چاپ نرسیده) در شرح حال شاعران معاصر خود، چهل سال پیش، در باره دکتر ریاحی چنین اظهار نظر کرده:

«دکتر محمد امین ریاحی پسر مرحوم میرزا بزرگ خان خوئی از جمله ادبا و نویسندگان نامی خوی می باشد. نامبرده دوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در زادگاهش گذرانیده و در دانشکده ادبیات تهران به اخذ لیسانس و دکترائی نائل و مدتی در آنجا به تدریس مشغول بوده و فعلاً از اعضاء عالی رتبه وزارت فرهنگ هستند و طبعی سرشار و ذوقی فوق‌العاده را داراست.

غزلیاتی دارد؛ از جمله

به چهره ماه من، آن زلف مشکبار مریز
بُتا بر آینه بخت من غبار مریز
دُر سرشک تو را جان عالم ارزان است
تو این همه گهر از چشم پر خمار مریز
به بوسه تو سرشته است آتش امید
چو سوختیم از این بیشتر شرار مریز
گل وصال ترا مرغ دل به جان طلبد
به راه زندگی از هجر خویش خار مریز
شرار جام توام سوخت امشب ای ساقی
فدای دست تو دستی نگاهدار مریز
وله ایضاً:

بهار بود و به باغی گلی شکفته دمی
گذشت و ماند بهاری و بلبل و غمی

نخفت شب همه شب چشم آرزو و امید
که بوی زلف تو آرد نسیم صبحدمی
نهان ز بار پریروی سوختم همه عمر
خوشم که لب نگشودم بماجرای غمی
به پای ناز گذشتی ز هفت کشور جور
به راه مهر و وفا بر نداشتی قدمی
من از تو شهره بیداد چشم دادم نیست
بس این دریغ که با ما نمی کنی ستمی
به جستجوی تو بتخانه جهان گشتم
نشان نداد کسی از چون تو سنگدل صمی
سرشک حسرتم آتش به خرمن جان زد
فغان که ابر وفا و کرم نداد نمی
خیال روی تو جویم به جویبار سرشک
تو گل به خنده که بر آب می زخم رقمی
وله ایضاً:

بستهام دل به سر زلف تو طناز هنوز
چشم حسرت به رخت دوختهام باز هنوز
نازنین گر چه گسستی به خط رشته انس
شیوه حسن تو نازم که کنی ناز هنوز
دل دیوانه ز دیوانگی آرام نیافت
هست با سلسله زلف تو دمساز هنوز
مُردم از تلخی هجر تو و گویند کند
لب شیرین روانبخش تو اعجاز هنوز
آب دادند مگر تیغ تو با آب حیات
کآید از کشته ابروی تو آواز هنوز
گله با غیر مکن ای گل رعنا میسند
جز دل ما که شود محرم این راز هنوز
فتنه انگیخته در شهری و بر می آید
هر چه گویند از آن چشم فسون ساز هنوز
لب نهادی شبی از شوق «ریاحی» به لبش
به حلاوت بود اشعار تو ممتاز هنوز

و له ایضاً:

پیام او مگر داری صبا مستانه می‌آیی؟
گل افشانی مگر از منزل جانانه می‌آیی؟
بیفشان دامن و دل‌های مشتاقان بریز اینجا
مخور غم گوشه امن است در ویرانه می‌آیی
امید وصل دیشب لافها زد گفتمش آخر
برو خوابی خیالی در نظر افسانه می‌آیی
دوای درد از لب آور و زنجیر از گیسو
اگر روزی برای پرسش دیوانه می‌آیی
اگر معشوق را سودای عاشق بی اثر باشد
چرا در بزم مشتاقان ز خود بیگانه می‌آیی
«ریاحی» مهد ذوق و کعبه اهل دلست اینجا
کمی آهسته تر پا نه چو در میخانه می‌آیی

بدرود حیات

دکتر ریاحی پس از عمری تلاش و کوشش در اعتلای فرهنگ ایران زمین در روز جمعه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ در بیمارستان ایرانمهر در ۸۶ سالگی، دار فانی را وداع و در روز یکشنبه ۲۷ اردیبهشت پس از تشییع جنازه از سوی فرهنگ دوستان و گزاردن نماز توسط حجت الاسلام و المسلمین سید محمود دعایی، در بهشت زهرا قطعه هنرمندان، در جایگاه ابدی خود قرار گرفت. روحش شاد و روانش قرین رحمت بی پایان یزدان باد.

آلبوم تصاویر

تصویر ۱ و ۲: تصویر نامه‌ای که استاد به نویسنده این سطور نگاشته است. این نامه را استاد پس از مطالعه فهرست نسخه‌های خطی مدرسه نمازی خوی مرقوم نموده‌اند. در باره این نامه ذکر چند نکته ضروری است:

۱. این نامه را استاد در ششم خرداد ۱۳۷۷ نگاشته‌اند. در چند جای این نامه کلماتی تراشیده شده، که از سوی خود استاد انجام گرفته و نشانه لطافت و دقت استاد در پاکیزه نگه داشتن نوشته هایشان است.
۲. دکتر ریاحی در این نامه از نسخه مهم کتاب مکارم الاخلاق رضی الدین نیشابوری یاد کرده که در کتابخانه مدرسه نمازی ملاحظه نموده بودند، ولی در مراجعه بعدی آن را در جای خود نیافته‌اند و به همین دلیل در تصحیح مرحوم محمد تقی دانش پژوه مورد استفاده قرار نگرفته است. این نسخه امروزه در کتابخانه مدرسه نمازی به شماره ۶۲۸ نگهداری می‌شود. خط آن نسخ جلی و به تحریر زیبای عبداللطیف‌بن

حسن مکنی بابی بکر در ربیع الاول ۶۷۹ به دستور نجم الدین محمود نوشته شده است. این نسخه از موقوفات شیخ الاسلام آقا ابراهیم خوبی در سال ۱۳۳۰ ق موسوم به موقوفات رضائیه بوده و شامل ۱۷۸ برگ، در ۱۰ سطر، به طول ۱۷ و عرض ۱۴ سانتی متر است.

۳. استاد در مکتوب خود از نسخه کلیات سعدی و دیوان فانی زنوزی اظهار تاسف نموده اند که قبلا در کتابخانه مدرسه بوده ولی اکنون در آن وجود ندارد. نگارنده این دو نسخه را در یکی از کتابخانه های شخصی خوی ملاحظه نموده و امیدوارم که روزی در محل اصلی خود قرار گیرد. شایان ذکر است دیوان فانی زنوزی را با تصحیح دکتر حسن حسن زاده (رئیس دانشگاه آزاد خوی) از سوی دفتر نشر مکتوب در دست انتشار قرار دارد.

۴. در باره خاطرات امین الشرع خوبی، باید عرض نمایم که این کتاب ارزشمند توسط حقیق تصحیح کرده و آماده چاپ است و امیدوارم که زمینه انتشار آن فراهم گردد.

۵. اما نسخه ریاض الجنه که مرحوم ریاحی نزد اسماعیل ریاضی ملاحظه نموده بودند فعلا اطلاعی از آن نیست.

شمرده داده بود که خاطرات امین الشرع را بنویسم منتشر خواهد کرد. منت خبر کردن که مبارک
 نامی است. قلم امین الشرع به در لطیف و شیرین و کم نظیر است. شاید تنها بتوان از شاگردان سلامت
 شرق آقا نجفی که چنان را با آن مقایسه کرد.

عریفه خلی طرانی شد اما حقیق ما آید بهر شایسته که عاشق نغالی است. هر چند خبری را ناگفته نگذارم
 نسخه اصلی بحواله مدرسه زنوزی با یادداشتها در خط اولف در خانه داده آن مرحوم باقی بود که سرافرا
 به مرحوم رحیم آقا ریاضی رسیده بود. چند بار به او میبشاید که من را به کتابخانه مجلس و کتابخانه آیت الله مخفی
 هدیه کند و بفرستد. بی عمل نبود. در دنیا که این کار خیر به حصول پیوسته و آن عزیز دوسه ماه پیش
 به اجراء طاهرین خود پیوست. نمی دانم شما می توانید این کار را تقیبت کنید و بجای من بپسندید؟
 بنده که از تهیه بهاری و پیری در هم شکستام و خانه نشین شده ام و کاری از دستم بر نمی آید.

سخن را به ادعیه فالصانه به وجود عزیز شما ختم میکنم که موهبتی با عالم علم هست چون کند
 و علم در دره و سئوق و همت دلایه در آن شاه عالم به لطف و غایت : اللهم صل علی ابی طالب
 خدمت ارزنده خود را ادامه خواهد داد که کامی بریزد به دست شما انجام خواهد گرفت. بمنده و کرمه

با ارادت و احترام
 رحیم
 کورانی

پیام بهارستان / ۲۵، ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

۶ / ۳ / ۷۷

دوست دانشمند بهار عزیز جناب آیت‌الله صدراپی خوبی

دستخط منج ۱۰ / ۳ / ۷۷ و کتاب لغتین قدرت نسخه خطی مدرسه کهنه نازی نوی در چهار جلد
 میراث اسلامی ایران را زیارت کردم و غرق شکر و شوق و شادی شدم. کلمه در شرح
 اهمیت قدرت شما در چاپ فرهنگ مخطوطات مدرسه کهنه نازی عجز است. با این وجود
 چنین فهرست‌هایی علاوه بر اینکه محققان را در وجود نسخ لغتین قادر مطلع می‌شوند از نقصان و اختلاف
 آن لغتین عبور کرده می‌کنند. در ۱۳۴۱ مرحوم دانش پژوه مکالم الاطلاق رضی الله عنیه بنیابری را
 براساس نسخه ناقص و مخطوف چاپ کرد. به ایشان گفته نسخه ای که من و منیع از آن کتاب در مدرسه
 کهنه نازی است. آن مرحوم شایسته شد که علی از آن به دل آورد و مجدداً به صورت کامل
 چاپ کند. در آن زمان ۴۲ که به خوبی رفتم مطلع شدم که فاضلی آن را به امانت گرفته و از طرف
 خارج کرده است. در نهایت در بهارستان فرزند آری به زیارت مرحوم حضرت آیت‌الله آقا نجفی
 رفتم آن علامه بزرگ که عاشق بیقراری نسخ نامدر خطی بود در آن حالت صندف و بهاری منی را به کتابها
 کشانید وقتاً نه مکالم الاطلاق اطمینان فرمود من امانت گرفته‌ام را می‌شناسم و اقدام
 می‌کنم که کتاب را به کتابخانه برگردانم. از مرحوم آیت‌الله بهرام علی‌هم که از دور در کار مدرسه و
 کتابخانه نظارت داشت خواستم که بی‌گویی نماید. آنکه به به پاس فرستاد خارج رفتم و در آنجا به
 حال از کتاب شما مرده یادم که آن نسخه عزیز به جای خود برگشته است و به در آن یک عدد
 بزرگ در دفتر است. حالا آرزو می‌کنم که شما مکالم الاطلاق را چاپ بفرمایند حتی ه کلام
 جزء مجله مرکز آنتا در نسخ خطی و البته به کزن نسخه‌ها هم آن را به صورت امانت نرسد فرمایند
 دو نسخه خطی هم در کتابخانه مدرسه شما می‌بود که ظاهراً در فهرست شما نام برده است. یکی
 نسخه‌ای از کلیات سده به خط نستعلیق به قطع خطی و در آن مهم‌تر دیوان خانی (میرزا محمد حسن
 زندی) که درین یکی به خط نسخ به رنگین بود از عصر شاعر با حاشیه‌های به خط ارب. در دو
 خانی دو نسخه کم اهمیت‌تر در تهران است و اما آن نسخه اهمیت دیگری داشت. حال کلیات؟
 خدا کند که دریا در دستهای خود خنری زان پیدا کند.

پیام بهارستان / ۲۰، س ۱، ش ۴ / تابستان ۱۳۸۸

تصویر ۳: صفحه اول ویژه نامه‌ای که هفته نامه اورین خوی در سال ۱۳۸۷ش به پاس خدمات علمی و فرهنگی دکتر ریاحی منتشر نموده است.



شماره ۴
محمد امین ریاحی
آرین خوی
پیرماه ۱۳۸۷

یادداشت

رضا حسن زلده

در عرصه ادبیات کشور، کمتر کسی است که با نام و آثار دکتر محمد امین ریاحی آشنا نباشد. بزرگمردی که نتایج تحقیقاتش در تاریخ، ادبیات و فرهنگ ایران زمین جاودان خواهند ماند.

هر وقت عزم خود را بر سر می جمع آوری مطالب ویژه‌نامه ای جدید از سه شماره گان دارالاصفاء جزم می کنی، طراوت و شادابی خاصی چهره کارکنان اورین خوی را در بر می گیرد و چنان خستگی از نشان بدن می شود که گویی تازه متولد می شوی.

بیچاره دوستمان و آشنایان که اغلب جوش می زدند؛ پسر و بچه های اورین چشمنده هستند در کنار فرهنگی و جفاکار خوسب در جذب آنگهی؟

در معرفی بزرگمردی چون دکتر محمد امین ریاحی جراده نیایشیم:

وقتی که او بیش از ۵۰ سال از بهترین دوران زندگی خود را صرف جمع آوری اسناد و مدارک و تدوین تاریخ شهر قدیمی و سه هزار ساله‌ی زادگاهش دارالاصفاء خوی، صرف می کند.

«تاریخی که به تری شویا و شاعرانه نگارش یافته و جلالت یک زمان شیرین و دلپذیر را دارد و به علت مزایای گوناگون خود، کتاب برگزیده سال ۱۳۳۲ انتخاب می شود»

وقتی که او با انتشار مقاله «توبت شمس تبریز کجاست؟» نقاب از چهره مناره خیدیه و خاکه خورده‌ی شمس، در منطقه محله امامزاده‌ی خوی بسرمی دارد و آرامگاه واقعی مراد مولانا را عیان می سازد.

وقتی که اسناد و مدارک متعلق این بزرگمرد در وجود مقبره پرنور حضرت شمس در شهر تاریخی خوی، عارفان و عاشقان واقعی شمس و مولانا را از جای جای این کره خاکگی، فوج فوج به سمت کشور عزیزمان ایران روتنه می سازد و خوی را بار دیگر زنده کرده و نقل هر محفل ادبی و عرفانی می کند...

اعلی فرهنگ و ادب خوی در جشنواره ششمین تیریزی (آبان ۸۶) آرزوی حضور دکتر ریاحی در این ویژه برنامه را داشتند و علاوه غیبت ایشان در کنار دکتر محمد علی موحد در مرقد شمس تبریز کاملاً محسوس بود.

در حسین نهبه این ویژه نامه هم در نظر داشتیم سفری به تهران داشته و گزارشی مفصل از زندگی و آثار قلمی شان تنظیم و مصاحبه ای را با ایشان ترتیب دهیم، اما افسوس کهولت سن، حضرت استاد را در پستری بیماری حبس کرده و عملاً چسارت برهم زدن آرامش ایشان، از ما سلب شد.

به هر حال، این ویژه نامه را سه مستشار توان و امکانات نقد خود، با همکاری نویسندگان محترم شهرمان تهیه کردیم. قسط بسا این هدف که به نمایندگی از افکار عمومی، سه محضر استاد اعلام کنیم: «هرگز نام و یاد شمسها را فراموش نخواهیم کرد»

در پایانه انتظار داریم دست اندر کاران فرهنگی شهر نیز به پاس نهادن به زحمات ایشان در آفات و معرفی آرامگاه واقعی شمس تبریز در خوی، همایش و بزرگداشت منم شامع دکتر ریاحی را هر چه زودتر برگزار نمایند.

محمد امین ریاحی محقق، ادیب، مصحح و فارسی یزوده
متولد: ۱۳۰۲ خوی
- دکتری زبان و ادب فارسی از دانشگاه تهران ۱۳۳۶
- استناد مدعو در دانشگاه های آستارا و استانبول
- برنده جایزه کتاب سال در دوسال ۱۳۵۲ و ۱۳۷۲
- مؤسس راین فرهنگی ایران در ترکیه
- اولین محققی که وجود آرامگاه شمس تبریز در ایوان (خوی) را اثبات کرد.
- برخی از آثار وی عبارتند از:
- کتاب درسی از تاریخچه کتاب های درسی در ایران و گزارش اصلاح آن،
- نفوذ زبان و ادبیات فارسی در لغت و معنای
- گفتگوش در شعر و اندیشه حفظ
- سفارت نامه های ایران (تاریخ روابط باصلنامه ایران و عثمانی)

محمد امین ریاحی
- تاریخ خوی (کتاب برگزیده سال ۱۳۷۲)
- سرچشمه های فردوسی شناسی
- بگشای واژه عشق (گزیده کشف الاسرار میدی)
- فردوسی زندگی و اندیشه و شعر او
- ...
- تصحیحات وی عبارتند از:
- جهان نامه (متن کهن جغرافیایی)
- مرصادالعباد (با بیش از ۱۱ جلد و کتاب برگزیده سال ۱۳۵۲)
- مرثه الحیات خواجه یوسف همدانی
- مرثه المنجلیس
- ...



از راست به چپ:
آقایان محمدعلی نجاتی، محمد امین ریاحی، هوشنگ رحیمی و محمدابراهیم باستانی پاریزی در کنگره شعرا که به سال ۱۳۵۶ در کاشان تشکیل یافت. (با تشکر از آقای هوشنگ رحیمی که عکس فوق را در اختیار نشریه قرار دادند.)



تصویر ۴: تصویر استاد به همراه استادش بدیع الزمان فروزانفر و سعدالدین بیل گیج تابستان ۱۳۴۶ ش در آنکارا، که از مجله کلک مورخ ۱۳۷۵ ش ص ۲۲۱ اخذ شده است.



تصویر ۵: تصویر دکتر ریاحی که باز از همان مجله ص ۲۲۴ اخذ شده است.



پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۶: تصویر استاد در ایام نزدیک به درگذشتش که از اینترنت گرفته شده است.



تصویر ۷: تصویر صفحه عنوان چاپ دوم تاریخ خوی با تقریظ استاد که در کتابخانه حقیر نگهداری می شود.



تصویر ۸: تصویر روی جلد رتبه الحیات
خواجه یوسف همدانی با تصحیح استاد.

